

پژوهش‌نامه نقد و هابیت؛ سراج منیر ♦ سال نهم ♦ شماره ۳۶ ♦ زمستان ۱۳۹۸
صفحات: ۷۱-۵۵ ♦ تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۰۷ ♦ تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۱۱/۱۷



بررسی حکم سب‌کنندگان صحابه از دیدگاه

وهابیت

شاکر سعدونی*

چکیده

یکی از مواردی که وهابیان آن را از علل تکفیر می‌خوانند، سب صحابه است؛ دلیل ایشان بر این اعتقاد، فتوای بزرگان سلف، اجماع مسلمانان، آیات و روایاتی است که صحابه را دارای مقام و منزلت رفیعی دانسته و از سب صحابه بر حذر می‌دارد؛ اما در این مقاله به شیوه‌ی توصیفی - تحلیلی اثبات می‌گردد که اولاً، در میان خود وهابی‌ها، در مورد حکم سب‌کنندگان صحابه، اجماعی وجود ندارد؛ ثانیاً، نوع فتاوا در مذاهب اربعه نیز برخلاف ادعای وهابیت، نهایتاً حکم به تادیب و تعزیر سب‌کننده می‌باشد؛ ثالثاً، محتوای آیات و روایت نهایتاً حرمت این عمل را می‌رساند و رابعاً، سیره و روش صحابه، برخلاف این ادعا می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: سب‌کنندگان، صحابه پیامبر ﷺ، وهابیت، سلف.

مقدمه

سب و دشنام از مسائلی است که مورد نكوهش مسلمانان می‌باشد؛ به‌خصوص اگر این سب و دشنام به بزرگان یک مکتب که از احترام خاصی برخوردار هستند، نسبت داده شود. وهابیت معتقد است که سب‌کنندگان صحابه، کافر و مه‌دور‌الدم هستند و محل نزاع بین مسلمانان و وهابیت همین مسئله است که مسلمانان عقیده وهابیت را نپذیرفته‌اند.

یکی از مسائلی که امروز بهانه و دست‌آویز دشمنان شیعه قرار گرفته تا به‌وسیله آن، شیعه را تکفیر و کشتن او را جایز شمارند، بحث سب‌کنندگان صحابه است. این اعتقاد وهابیت به بهانه‌ای تبدیل شده، تا با تمسک به آن، به مسلمانان هجمه آورده و با این اتهامات ناروا، علیه آنها احکامی صادر کنند. وهابیت به این بهانه که برخی در میان شیعیان، اقدام به سب صحابه می‌کنند، شیعیان را متهم به خروج از اسلام کرده و حکم به قتل آنان می‌کنند. آنان بدین وسیله، اقدام به شیعه‌هراسی کرده و شیعیان را منکر مدح صحابه قلمداد می‌کنند. دشمنی وهابیت با شیعیان کار را به‌جایی رسانده است که با این تهمت‌های ناروا علیه شیعیان، احساسات سایر مسلمانان را علیه آنان برمی‌انگیزند تا بدین وسیله، ضعف‌های خویش را پوشانده و همراهی خود با کفار و دشمنان واقعی اسلام را پنهان سازند.

برخی از محققین در این زمینه، از زوایای مختلفی به این مسئله پرداخته‌اند. مصطفی معلمی در مقاله تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی با دیدگاه بنیان‌گذاران و مبلغان سب و لعن در اسلام و سید احمد مرتضایی در مجله اندیشه‌های حقوق عمومی (شماره ۱۰، زمستان ۹۵)، با دیدگاه مفهوم و ماهیت اهانت به مقدسات، با نقد دیدگاه اندیشمندان غیر مسلمان به این موضوع پرداخته‌اند؛ همچنین علی‌علی‌نیا با بررسی واکاوی سب و لعن از دیدگاه مذاهب اسلامی در مجله اندیشه تقریب (شماره ۳۴، پاییز ۹۶) به این مسئله پرداخته است؛ ولی پژوهش‌گر در این مقاله در نظر دارد، حکم فقهی سب‌کنندگان صحابه را از دیدگاه وهابیت و اسلاف آنها بررسی کند؛ از دیدگاه وهابیت، سب‌کنندگان صحابه کافر و

مه‌دورالدم هستند. آیا چنین حکمی صحیح است؟ برخی در مورد قتل آنان حکم داده‌اند؛ در این مقاله، پژوهش‌گر در نظر دارد، این مسئله را از دیدگاه وهابیت و بزرگان و علمای آنها بررسی کند.

مفهوم سب

در اصل، سب همان تنقیص می‌باشد. معنای دیگر سب، شتم می‌باشد؛ چراکه سب، نسبت‌دادن خواری و استهزاء به عرض و ناموس انسان است.^۱ اسماعیل بن عباد در کتاب لغتش می‌گوید: سب تنقیص است و اصل سب، عیب‌جویی است؛^۲ برخی از اهل - لغت گفته‌اند: «السُّبُّ: الشُّتْمُ الوجیع»؛^۳ سب همان ناسزا و شماتتی می‌باشد که خواری و منقصة بیشتری در آن نهفته است؛ به عبارت دیگر، سب، سخن گفتن و تکلم در مورد عرض انسان و آن چیزی که موجب خواری، شماتت و استهزاء و عیب در او شود را می‌گویند؛ در حقیقت، سب همان شتم و ناسزایی است که خواری و منقصة دردآوری برای صاحب آن در پی داشته باشد؛ چراکه شماتت و عیب‌جویی آن، آشکارتر و شدیدتر است.

تعریف صحابی

معنای لغوی: صحاب و صحابی از مشتقات صحب، یصحب می‌باشند و مصدر آن صحبة است. صحابه به معنی اصحاب و همراهان است.^۴ بخاری در تعریف صحابی گفته است: هر مسلمانی که با پیامبر اکرم ﷺ همراه بوده و یا ایشان را زیارت کرده، صحابی می‌نامند.^۵

بنابر تعریف مشهور، صحابی کسی است که پیامبر اکرم ﷺ را ملاقات کرده و زمانی که از دنیا رفته، همچنان به او ایمان داشته و مسلمان بوده است؛^۶ البته منظور از

۱. ابن‌درید، محمد بن حسن، جمهره اللغة، ج ۱، ص ۶۹.

۲. صاحب، اسماعیل بن عباد، المحيط فی اللغة، ج ۸، ص ۲۵۵.

۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، ج ۱، ص ۳۹۲.

۴. ابن‌منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱، ص ۵۱۹.

۵. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، ج ۳، ص ۱۳۳۵.

۶. ابن‌حجر عسقلانی، احمد، الاصابه، ج ۱، ص ۱۵۸.

ملاقات، هم‌نشینی و همراهی می‌باشد؛ هرچند با پیامبر ﷺ سخن نگفته باشد. در واقع صحابه کسی است که پیامبر اکرم ﷺ را ملاقات کرده و به او ایمان داشته باشد؛ هرچند مصاحبت او با پیامبر ﷺ در مدت زمان کمتری باشد؛ حال چه از وی روایتی نقل کرده یا نکرده باشد؛ البته مصاحبت و مجالست بیشتر با پیامبر ﷺ افضل است.

حکم فقهی سب‌کنندگان صحابه از دیدگاه وهابیت

برخی از صحابه، نسل پیشتاز و مورد احترام اسلام و مسلمانان هستند؛ اما وهابیت با استناد به روایت پیامبر اکرم ﷺ که فرمودند: «خیرکم قرنی»،^۱ (صحابه در بهترین قرون بودند)، معتقدند که صحابه از فضیلت و منزلت بالایی برخوردار هستند؛ البته این مسئله بر هیچ‌یک از مسلمانان پوشیده نیست؛ لکن در مورد حکم فقهی فردی که صحابه را سب و شتم می‌کند، بین وهابیت و مسلمانان اختلاف نظر وجود دارد که اکثر مسلمانان، قائل به کافر بودن سب‌کنندگان صحابه نیستند؛ بلکه نهایتاً این اقدام را گناه تلقی کرده و مصداق فسق می‌دانند؛ اما در این میان، وهابیان با اهدافی خاص و در جهت ایجاد برادرکشی و نفوذ منهج تکفیر، حکم به کفر سب‌کنندگان صحابه می‌دهند؛ البته علمای وهابی هم، احکام مختلفی برای سب‌کنندگان صحابه داده‌اند و اجماعی در این زمینه ندارد که در ادامه، نظرات و احکام آنها بررسی می‌شود.

۱. ابن عثیمین در تبیین حکم سب صحابه آن را بر سه قسم می‌داند. در قسم دوم می‌نویسد: «اگر کسی صحابه نبی اکرم ﷺ را با لعن و تقیح کردن دشنام دهد، در میان اهل علم دو قول (تکفیر و عدم تکفیر) وجود دارد. طبق دیدگاهی که چنین فردی را کافر نمی‌داند واجب است شلاق بخورد و در زندان، حبس ابد باشد»^۲.

۲. صالح بن فوزان در تصحیح و ویرایش کتاب تسدید الاصابه می‌گوید: هر کس به صحابه دشنام دهد (مثلاً به آنها نسبت ترس و بخل دهد)، اما مطلقاً کرامت و شجاعت-

۱. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، ج ۲، ص ۵.

۲. ابن عثیمین، محمد بن صالح، تعلیق مختصر علی کتاب لمعة الاعتقاد الهادی إلى سبیل الرشاد، ص ۱۵۲.

شان را زیر سوال نبرد، مرتکب فسق شده و حاکم باید او را سخت شکنجه دهد؛ تا زمانی- که توبه کند و از عقیده خود بازگردد.^۱

بزرگان وهابیت و اسلاف آنها در مورد حکم قتل و خروج از اسلام سب‌کنندگان صحابه متوقف شدند و برای تأدیب، حکم به تعزیر و شکنجه آنان کرده‌اند؛ چراکه نصی برای تکفیر و قتل سب‌کنندگان صحابه وجود ندارد که بتوانند به آن استناد کنند. در مورد تکفیر سب‌کنندگان صحابه، برخی از بزرگان وهابیت، با ایجاد شرایط خاصی (اگر سب را حلال بدانند)، حکم به کفر سب‌دهنده داده‌اند؛ در غیر این صورت، مرتکب فسق شده است؛ البته برخی حکم به تکفیر کرده‌اند که این خلاف آرای اکثر علمای وهابی است.

۱. محمد بن عبدالوهاب می‌گوید: هر کس بعضی از اصحاب را که فضیلت و کمالات آنان به حد تواتر رسیده (مانند خلفای راشدین)، مستحق سب و دشنام بدانند، کافر می‌شود؛ چون چیزی را تکذیب کرده است که از پیامبر ﷺ، به‌طور قطع ثابت شده و تکذیب‌کنندگان آن کافر می‌شوند.^۲

۲. محمد صالح عثیمین در شرح عقیده سفارینی ضمن نقل قول از ابن تیمیه می‌گوید: سب صحابه منجر به کفر می‌شود شیخ الاسلام می‌گوید: «هرکس تمامی صحابه را دشنام دهد یا معتقد باشد آنان پس از پیامبر مرتد شده‌اند شکی در کفر او نیست بلکه شکی در کفر کسی نیست که گمان کند چنین فرد کافر است.»^۳

۳. صالح الفوزان با نقل روایتی در کتاب خود از بن حمدان معتقد است، سب‌کنندگان صحابه کافر هستند: «من سب احداً من الصحابه مستحلاً کفر و ان لم يستحل فسق»؛^۴ هر کس سب صحابه را حلال بداند و سب کند، کافر بوده و اگر حلال نداند، فاسق است. حکم قتل برای فردی که صحابه را سب می‌کند، حکم بی‌پایه و بی‌اساسی است که

۱. غامدی، ذیاب بن سعد، تسدید الاصابه فیما شجر بین الصحابه، ص ۱۳۰.

۲. ابن عبدالوهاب، محمد، الرد علی الرافضه، ص ۱۹.

۳. ابن عثیمین، محمد، شرح العقیده السفارینی، ج ۱، ص ۶۰۵.

۴. فوزان، صالح، عقیده التوحید، ص ۱۷۲.

وهابیت برای آن قد علم کردند.

محمد بن عبدالوهاب در رساله الرد علی الرافضه می‌گوید: اگر کسی معتقد به فسق یا ارتداد و یا ارتداد اکثر صحابه از دین باشد، یا اظهار کند که آنها مستحق سب هستند و این فعل را امری مباح و یا حلال بداند، به خداوند کافر شده است.^۱

در شریعت اسلامی و کتب اهل سنت و شیعه، چنین حکمی برای سب‌کنندگان صحابه ذکر نشده است. مشهور و اتفاق مسلمین این است که حکم قتل تنها برای سب-کنندگان نبی اکرم ﷺ محقق می‌شود.

نقد وهابیت

برخی از بزرگان وهابیت بر این باور بودند که سب‌کنندگان صحابه کافر و مهدورالدم هستند؛ در حالی که خود علمای وهابی در حکم سب‌کنندگان صحابه با یک‌دیگر اختلاف دارند و نظر واحدی ندارند و این خود دلیلی بر بطلان عقیده دروغین آنان است. اکثر علمای وهابی حکم به قتل ندادند و برخی از آنها در صورت ایجاد شرایط خاصی حکم به قتل سب‌کنندگان صحابه داده‌اند؛ همچنین برخی از بزرگان اهل سنت معتقدند، کفر سب‌دهنده در صورتی است که تمام صحابه سب شوند و سب تعدادی از آنها باعث کفر نمی‌شود؛ البته طبق نظر علما و فقهای مسلمین، حکم قتل فقط در شرایط خاصی صادر می‌شود؛ مانند قتل عمد، ارتداد و غیره. حکم به قتل را فقهای اسلام برای سب‌دهنده تایید نمی‌کنند؛ برای روشن‌تر شدن این مسئله، احکامی که فقهای مذاهب اسلامی برای سب‌کنندگان صحابه داده‌اند ذکر می‌شود.

۱. حکم سب‌کنندگان صحابه از دیدگاه مذاهب اسلامی

الف: حکم سب‌کنندگان صحابه از دیدگاه مذهب حنفی

۱. در حاشیه ابن عابدین نقل شده است: حکم به کفر سب‌کنندگان شیخین (ابوبکر و عمر) و دیگر صحابه، قولی ضعیف است و فتوا و تأویل به چنین حکمی شایسته و صحیح

۱. ابن عبدالوهاب، محمد، رساله فی الرد علی الرافضه، ص ۱۹-۱۸.

نیست؛ همان طور که پدرم آن را در کتاب تنبیه الولاہ و الاحکام تبیین کرد.^۱

۲. ابن مالک در شرح خود می نویسد: شهادت فردی که سلف را سب می کند رد می شود؛ چراکه او فسق آشکار انجام داده است.^۲

۳. حکم به کفر سب کنندگان صحابه، قولی ضعیف است که مخالف متون و شروح و اجماع فقها است؛ همان طور که شنیده شد.^۳

۴. ابن نجیم: سب کنندگان صحابه مرتکب کبیره هستند و فردی که مرتکب گناه کبیره شود، کافر است؛^۴ لکن شارع از چنین قولی ساکت شده و مرتکب کبیره را تکفیر نکرده است؛ چراکه اگر چنین بود، امیرالمومنین علی رضی اللہ عنہ شخصی که او را دشنام داده بود، تکفیر می کردند؛ ایشان حتی آن شخص را تکفیر نکردند، چه برسد به اینکه بخواهند او را به قتل برسانند.^۵

۵. ابن عابدین از فقیهان حنفی و امام حنفیان در عصر خودش، در خصوص سب کنندگان صحابه، با صراحت، قول کسانی که سب کنندگان صحابه را تکفیر می کنند رد کرده و این قول را قول اهل حدیث دانسته است؛ همچنین ابن منذر می گوید: کسی را نیافتم که بر این عقیده باشد.^۶

۶. علامه علی قاری در کتاب خود بیان کرده که سب کنندگان صحابه به اجماع مسلمین، فاسق و مبتدع هستند.^۷

احناف هم بر این عقیده هستند که سب کنندگان اصحاب نبی مکرم اسلام صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم، مرتکب فسق شده و قول کسانی که حکم به خروج از اسلام سب کننده را داده اند نپذیرفته و آن را قولی ضعیف و مخالف سیره مسلمین، متون فقهی و اجماع فقها می دانند.

۱. ابن عابدین، محمد امین، حاشیه ابن عابدین، ج ۷، ص ۱۶۲.

۲. ابن صالح، عبدالفتاح، حکم من سب الصحابه فی مذاهب الاربعه، ص ۱۰.

۳. همان، ص ۱۱.

۴. ابن نجیم، زین الدین، غمز عیون البصائر، ج ۱، ص ۲۹۱.

۵. ابن صالح، عبدالفتاح، حکم من سب الصحابه فی مذاهب الاربعه، ص ۱۲.

۶. ابن عابدین، محمد امین، رد المحتار علی الدر المختار، ج ۴، ص ۲۳۷.

۷. قاری، علی، شم العوارض فی ذم الروافض، ص ۶۱.

ب: حکم سب کنندگان صحابه از دیدگاه مذهب مالکی

۱. هیشمی در کتاب خود می‌نویسد: مالک می‌گوید: هر کس یکی از صحابه پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، ابابکر، عمر، عثمان، معاویه و عمرو بن عاص را سب و شتم بکند و بگوید آنها گمراه و کافر بودند، به قتل می‌رسد؛ ولی اگر دشنام‌دهنده نسبت کفر ندهد، سخت‌تر و تأدیب می‌شود.^۱

۲. قاضی عیاض در حکم سب کنندگان صحابه این چنین نقل می‌کند: علما در حکم آن اختلاف پیدا کردند؛ ولی در مشهور مذهب مالک، سب کنندگان نبی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به قتل می‌رسند و سب کنندگان صحابه تأدیب می‌شوند.^۲

۳. زرقانی از عالمان بزرگ مالکیه در شرح خود می‌نویسد: کسی که صحابه یا بزرگان دینی غیر از انبیا را مورد سب قرار دهد، حکم آن تأدیب است؛ به عقیده او، هر کس شخصیت‌های بزرگی چون لقمان عَلَيْهِ السَّلَامُ، خضر عَلَيْهِ السَّلَامُ، مریم عَلَيْهَا السَّلَامُ و زرتشت عَلَيْهِ السَّلَامُ و یا صحابه را مورد سب قرار دهد تأدیب می‌شود؛^۳ همچنین تصریح کرده است: «من سب صحابياً لا یکفر».^۴

۴. ابن حیب می‌گوید: اگر کسی از شیعیان، بغض عثمان را داشته باشد، تأدیب می‌شود و بغض ابوبکر و عمر عقوبت آن شدیدتر است و محکوم به حبس ابد می‌شود؛ ولی حکم به قتل آن داده نمی‌شود؛ مگر در سب پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.^۵

مالکی‌ها قتل سب کنندگان صحابه را جایز نمی‌دانند و حکم سب کنندگان صحابه را تأدیب و تعزیز می‌دانند؛ اما مانند دیگر مسلمین، سب حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را محکوم به قتل می‌دانند.

۱. هیشمی، احمد بن محمد، الصواعق المحرقة علی اهل الرض والضلال و الزندقه، ج ۱، ص ۱۴۰.

۲. سبکی، تقی‌الدین، فتاوی السبکی، ج ۲، ص ۵۷۹.

۳. زرقانی مصری، عبدالباقی، شرح الزرقانی علی المختصر، ج ۸، ص ۱۲۵.

۴. همان، ج ۲، ص ۳۰۹.

۵. ابن صالح قدیش، عبدالفتاح، حکم سب الصحابه فی المذاهب الاربعه، ص ۱۵.

ج: حکم سب صحابه از دیدگاه مذهب شافعی

۱. در کتاب اعانة الطالبین آمده است که شهادت مبتدع قبول می‌شود؛ حتی اگر از کسانی باشد که صحابه را سب می‌کند.^۱
 ۲. سبکی در کتاب الحلیات بیان کرده است که در تکفیر سب کنندگان صحابه، برای اصحاب ما دو قول وجود دارد؛ ما آنها را تکفیر نمی‌کنیم، بلکه فاسق می‌دانیم و شهادت آنان قبول نمی‌شود و برخی می‌گویند: شهادت آنان مورد قبول واقع می‌شود.^۲
 ۳. سیوطی در کتاب الاشباه و النظائر بیان می‌کند: اکثر فقها حکم به عدم تکفیر سب صحابه کرده‌اند.^۳
 ۴. ابن حجر هیتمی قائل به عدم تکفیر سب صحابه است و حکم به فسق آن داده است.^۴
 ۵. غزالی طوسی می‌گوید: اگر کسی معتقد به فسق ابوبکر، عمر و گروهی از صحابه باشد، حکم به فسق، گمراهی و مخالفت با اجماع امت داده می‌شود و محکوم به قتل نیست.^۵
 ۶. اسحاق بن راهویه گفته است: هر کس صحابه نبی مکرم اسلام ﷺ را سب بکند، مورد عقوبت و حبس قرار می‌گیرد.^۶
- قدر متیقن در مذهب شافعی‌ها آن است که ناسزا به صحابه کفرآمیز نیست و سب-کننده محکوم به فسق است؛ البته برخی معتقدند که شهادت او پذیرفته می‌شود.

د: حکم سب صحابه از دیدگاه مذهب حنبلی

۱. امام قاضی، حکم به عدم تکفیر سب کنندگان صحابه پیامبر ﷺ کرده است.^۷

۱. شافعی، عثمان، اعانة الطالبین، ج ۴، ص ۲۹۱.

۲. ابن صالح، عبدالفتاح، حکم من سب الصحابه فی مذاهب الاربعه، ص ۱۸.

۳. سیوطی، جلال الدین، الاشباه والنظائر، ص ۴۸۸.

۴. هیتمی، احمد بن محمد، الصواعق المحرقة علی اهل الرفض والضلال و الزندقه، ج ۱، ص ۱۳۱-۱۲۸.

۵. غزالی طوسی، محمد بن محمد، فضائح الباطنیه، ص ۱۴۹.

۶. مغراوی، محمد بن عبدالرحمن، من سب الصحابه و معاویه، ص ۹۰.

۷. ابن مفلح، ابراهیم، المبدع فی شرح المقنع، ج ۱۰، ص ۲۲۱.

۲. ابن تیمیه در کتاب مختصر الفتاوی می نویسد: اگر شخصی، کسانی را که اولیا هستند و پیامبر نیستند سب کند، حکم کفر به آن داده نمی شود؛ مگر نسبت به دین و ایمان آنها خورده بگیرد.^۱

۳. احمد بن حنبل: در کتاب فتاوی السبکی به نقل از او آمده است: از اینکه برای سب کنندگان صحابه، حکم قتل صادر کنم می ترسم؛ ولی او را به ضربات شلاق شکنجه می دهم.^۲

عالمان برجسته مکتب حنبلی، حکم به فسق مطلق سب کنندگان صحابه داده اند. احمد بن حنبل و ابن تیمیه حکم به تعزیر و تأدیب آنها داده اند. چیزی که عجیب به نظر می آید آن است که وهابیت، امام خود را احمد بن حنبل می داند و این در حالی است که حنبلی ها حکم سب کنندگان صحابه را کفر و خروج از اسلام نمی دانند؛ ولی برخی از وهابی ها معتقدند که آنان کافر و مهدور الدم هستند.

۲. سب و دشنام صحابه به یک دیگر

برخی از صحابه رسول گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در نزاع ها و درگیری هایی که با هم داشتند، گاهی زبان به شتم و سب یک دیگر می گشودند؛ اما در هیچ یک از این موارد، مستندی وجود ندارد که صحابه ای سب کننده را محکوم به کفر کرده باشد؛ برخی از مواردی که صحابه هم دیگر را سب و شتم کرده اند عبارت اند از:

الف: سب عایشه و زینب بنت جحش

در صحیح بخاری و مسلم و صحاح سته روایتی نقل شده است که می گوید: زینب بنت جحش که از همسران پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است، به شدت از عایشه غضبناک شد و نزد حضرت آمد و جلوی او به عایشه دشنام داد. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به عایشه دستور داد که او را دشنام دهد و عایشه آن قدر دشنام داد که زینب بنت جحش مجبور به سکوت شد. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به

۱. ابن یعلی، عمر، مختصر فتاوی المصریه لابن تیمیه، ص ۵۶۰.

۲. سبکی، تقی الدین، فتاوی السبکی، ج ۲، ص ۸۵۰.

عایشه نگاه می‌کرد و می‌فرمود: او دختر ابوبکر است.^۱

ب: سب عثمان توسط عایشه

عایشه در مسیر بازگشت به مکه بود که عبد بن ابن کلاب به او خبر داد که عثمان را کشتند. پرسید بعد از آن چه کردند؟ ابن کلاب گفت: همه گرد علی علیه السلام جمع شدند. عایشه گفت: ای کاش آسمان به زمین آمده بود و مردم با علی علیه السلام بیعت نمی‌کردند! او می‌گفت: به خدا قسم، عثمان را مظلوم کشتند! ابن کلاب که متعجب شده بود گفت: به- خدا قسم، اولین شخصی که گفت نعث (پیرمرد یهودی خرفت، که منظور عثمان می- باشد) را بکشید که کافر شده، تو بودی!^۲

ج: سب و دشنام به امیرالمومنین علی علیه السلام

۱. عمر بن سعد بن ابی وقاص نقل می‌کند: معاویه به سعد دستور داد که علی علیه السلام را سب کند؛ ولی سعد دستور او را نپذیرفت. معاویه گفت: به چه دلیل به او ناسزا نمی‌گویی؟ سعد گفت: سه فضیلت از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در مورد علی علیه السلام شنیدم که با توجه به آنها، هیچ‌گاه سب و ناسزا به امیرالمومنین علیه السلام نمی‌گوییم.^۳

۲. سب امیرالمومنین علیه السلام توسط مغیره بن شعبه: مغیره در خطبه‌هایش از علی علیه السلام بدگویی می‌کرد و خطابای می‌گماشت که از او بدگویی کنند.^۴

۳. سب امیرالمومنین علیه السلام توسط عبیدالله: ابن اثیر و بلاذری به نقل از عبدالله بن عبیدالله می‌نویسند: پدرم هرگاه خطبه می‌خواند و در آن می‌خواست علی علیه السلام را ناسزا بگوید، لکنت زبان می‌گرفت.^۵

د: سب بلال بن رباح توسط ابوذر

بیهقی در شعب الایمان از ابی امامه نقل کرده که ابوذر بلال بن رباح را با شماتت و

۱. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، ج ۲، ص ۹۱۱.

۲. اسدی تمیمی، سیف، الفتنه و وقعه جمل، ج ۱، ص ۱۱۵.

۳. نیشابوری، مسلم، صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۲۰.

۴. ذهبی، شمس‌الدین، سیر اعلام النبلاء، ج ۳، ص ۳۱.

۵. ابن اثیر، ابوالحسن، الكامل فی التاريخ، ج ۵، ص ۴۲.

استهزاء دشنام داد: یابن السوداء (ای کسی که مادرت سیاه است). بلال نزد پیامبر ﷺ آمد و از ابوذر شکایت کرد. پیامبر ﷺ به شدت غضبناک شد و ابوذر را ملامت کرد که در این هنگام، ابوذر از شدت شرمندگی روی سرش خاک می ریخت.^۱

ذ: سب خود پیامبر ﷺ به صحابه ای که ایشان را اذیت کردند

عایشه نقل می کند که دو شخص از صحابه بر پیامبر ﷺ وارد شدند و با حضرت در مورد چیزی که نمی دانم صحبت کردند که ناگهان پیامبر ﷺ خشمگین شد و آنها را لعن و سب کرد.^۲

و: از انس بن مالک روایت شده است که دو نفر از غلامان که یکی از حبشه و دیگری از نبط بود به یک دیگر دشنام دادند؛ در حالی که رسول خدا ﷺ می شنیدند؛ پس یکی به دیگری می گفت: ای نبطی و وی به او گفت: ای حبشی؛ سپس رسول خدا ﷺ فرمودند: این را نگوید؛ شما دو تن از اصحاب محمد ﷺ هستید.^۳

در مواردی که ذکر شد، سلف، صحابه، بزرگان و علمای وهابیت، صحابه را به خاطر سب تکفیر نکردند و حکم به قتل آنها ندادند. سب در برخی موارد در حضور پیامبر گرامی اسلام ﷺ رخ می داد که ایشان حکم به تکفیر و ارتداد نکردند؛ در حالی که حضرت، شارع اسلام است؛ همچنین معاویه دستور به سب امیرالمومنین علی ع داد؛ اما بزرگان وهابیت او را کافر نمی دانند.

۳. نهی از سب در آیات و روایات تحریم است، نه تکفیر

الف: اسلام سب و شتم را منع کرده است. خداوند متعال می فرماید: ﴿وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ﴾؛^۴ و شما مؤمنان بر آنان که غیر خدا را می خوانند دشنام ندهید، تا مبادا آنها هم از روی دشمنی و نادانی، خدا را دشنام دهند.

۱. جرجانی، حسین بن حسن، المنهاج فی شعب الایمان، ج ۴، ص ۲۸۸.

۲. نیشابوری، مسلم، صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۲۵.

۳. ابویعلی، أحمد بن علی، مسند ابی یعلی، ج ۷، ص ۱۷۱، ش ۴۱۴۶.

۴. سوره انعام، آیه ۱۰۸.

در این آیه حکم به نهی از سب و دشنام شده است.^۱

ب: روایتی از ابی سعید خدری نقل شده که بر صحت آن اتفاق وجود دارد: «قال رسول الله ﷺ: لا تسبوا اصحابی فوالذی...»؛^۲ اصحاب مرا سب نکنید؛ این دلالت بر نهی و حرمت می‌کند.

ج: روایتی از ابن عمر نقل شده است که رسول الله ﷺ فرمودند: «من سب اصحابی فعليه لعنة الله»؛ هر کس اصحابم را سب کند، لعنت خدا بر او باد که آن را بزاز و طبرانی در کتاب الکبیر و الاوساط بیان کرده‌اند. هیثمی می‌گوید: در سند روایت بزاز، سیف بن عمر است که متروک الحدیث است و در سند روایت طبرانی، عبدالله بن سیف خوارزمی است که ضعیف الحدیث است.^۳ اگر متن روایت مورد بررسی قرار گیرد، لعنت موجب طلب دوری از خیر است و حکم خروج از اسلام و ارتداد از این روایت صادر نمی‌شود.

د: روایتی از ابی ثناء یحیی بن شعبه از زبید از وائل از عبدالله نقل شده است که می‌گوید: «قال رسول الله ﷺ: سَبَابُ الْمُسْلِمِ فُسُوقٌ وَقِتَالُهُ كُفْرٌ»؛^۴ پیامبر خدا ﷺ فرمودند: سب مسلمان، سب فسق می‌شود و قتل آن موجب کفر است.

ح: روایتی از پیامبر گرامی اسلام ﷺ نقل شده است که می‌فرمایند: «لا تسبوا الناس فتكسبوا العداوة بينهم»؛^۵ به مردم ناسزا نگوئید که با این کار در میان آنها دشمنی پیدا می‌کنید. این روایت دلالت بر نهی از سب و حرمت می‌کند.

با فحص و جستجو در آیات و روایات فهمیده شد، سب‌کنندگان صحابه محکوم به کفر و قتل نیستند؛ برخی از وهابیت در شرایط خاص قائل به کفر و قتل سب‌کنندگان صحابه بودند که بر سر این مسئله بین آنها اختلاف است و اجماع مسلمین بر این است

۱. رازی، فخرالدین، تفسیر رازی، ج ۱۳، ص ۱۴۷.

۲. ابن‌صلاح، عثمان، مقدمه ابن‌صلاح، ج ۱، ص ۲۹۵.

۳. هیثمی، علی بن ابی‌بکر، مجمع الزوائد، ج ۱۰، ص ۲۱.

۴. ابن‌حنبل شیبانی، احمد، مسند احمد، ج ۱، ص ۳۸۵.

۵. کلینی، محمد، کافی، ج ۲، ص ۳۶۰.

که حکم سب‌کنندگان صحابه رسول خدا ﷺ، حرمت است و نهی از این عمل شده است. شیعیان قائل به حرمت سب صحابه نبی مکرم اسلام ﷺ هستند و تمام علما، شیعیان را از این عمل نهی کردند و برای صحابه جلیل‌القدر نبی اکرم ﷺ احترام خاصی قائل هستند؛ مگر افرادی که از راه حق منحرف شده و دستورات الهی و پیامبر اکرم ﷺ را تغییر دادند که شیعه از آنها اعلام برائت نموده است؛ لکن شیعه به پیروی از اهل بیت پیامبر خدا ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام، قائل به دشنام و ناسزا گفتن به آنها نیستند و اگر کسی دشنام بدهد او را تأیید نمی‌کنند.

نتیجه

وهابیت برای سب‌کنندگان صحابه احکام مختلفی بیان کرده‌اند؛ برخی قائل به تعزیر سب‌کنندگان صحابه هستند و برخی قائل به تکفیر آنها می‌باشند و برخی با ایجاد شرایطی خاص، قائل به قتل سب‌کنندگان صحابه هستند. این اختلاف، دلیلی بر رد عقیده آنان است و از جهتی، مذاهب اربعه در فقه خود بیان کرده‌اند که سب‌کنندگان صحابه کافر و مهدورالدم نیستند؛ همچنین در میان برخی صحابه، نزاع و درگیری بود که حتی یک‌دیگر را سب و دشنام می‌دادند و هیچ‌کس حکم به تکفیر و قتل آنان نکرده است. اگر وهابیت بر عقیده خود اصرار دارند، پس صحابه کافر و محکوم به قتل بودند؛ در حالی که هیچ‌کس از علمای مذاهب اسلامی و حتی وهابیت چنین اعتقادی ندارند و با بررسی آیات و روایات ثابت شد، دلیلی وجود ندارد که سب‌کنندگان صحابه خارج از اسلام باشند؛ بلکه سب‌کنندگان صحابه مرتکب عملی حرام شده‌اند. بزرگان و علمای شیعه پیروان خود را از سب و ناسزا نهی کرده‌اند و برای صحابه رسول اکرم ﷺ مقام و جایگاه خاصی قائل هستند.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. کلینی، محمد بن یعقوب، **الكافی**، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۳. صاحب، اسماعیل بن عباد، **المحیط فی اللغة**، محقق: محمد حسن آل یاسین، بیروت: عالم الکتب، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۴. ابن درید، محمد بن حسن، **جمهرة اللغة**، بیروت: دارالعلم للملایین، چاپ اول، ۱۹۸۸م.
۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **مفردات ألفاظ القرآن**، بیروت: دارالقلم، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۶. ابن عبدالوهاب، محمد، **رسالة في الرد على الرافضة**، ریاض: جامعة الإمام محمد بن سعود، المملكة العربية السعودية، بی تا.
۷. بخاری، محمد بن اسماعیل، **صحیح بخاری**، استانبول: المكتبة الاسلامیه للنشر و التوزیع، ۲۵۶ق.
۸. نیشابوری، مسلم بن حجاج، **صحیح مسلم**، تصحیح: اسماعیل ابن احمد طرابلسی، بی جا: دارالطباعة العامره، ۳۳۴ق.
۹. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، **الاصابه فی تميز الصحابه**، بیروت: داراحیاء ثرات العربی، ۳۲۸ق.
۱۰. خطیب بغدادی، أحمد بن علی، **الجامع لأخلاق الراوي وآداب السامع**، محقق: محمد عجاج الخطیب، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۶ق.
۱۱. غامدی، ذیاب بن سعد، **تسدید الاصابه فیما شجر بین الصحابه**، بی جا: مكتبة المورد، چاپ دوم، ۱۴۲۵ق.
۱۲. مغراوی، محمد بن عبدالرحمن، **من سب الصحابه و معاویه فأمه هاویه**، بی جا: مكتب التراث الاسلامی، بی تا.
۱۳. ابن عثیمین، محمد بن صالح، **شرح العقیده السفارینیة الدرہ المظیة فی عقد اهل الفرقة المرضیة**، ریاض: مدار الوطن للنشر، ۱۴۲۶ق.
۱۴. فوزان، صالح بن فوزان، **عقیده التوحید**، بی جا: فروع دارالقاسم، بی تا.
۱۵. قاری، محمد، **شمّ العوارض فی ذم الروافض**، محقق: دکتر مجید الخلیفه، بی جا: مرکز الفرقان للدراسات الاسلامیه، چاپ اول، ۱۴۲۵ق.
۱۶. ابن عابدین، محمد امین، **حاشیة ابن عابدین**، بی جا: مرکز التراث للبرمجیات، ۲۰۱۳م.
۱۷. ابن صالح، عبدالفتاح، **حکم من سب الصحابه فی مذاهب الاربعه**، بی جا: دارالکتب الیمنیه،

- چاپ اول، ۱۴۳۶ق.
۱۸. سبکی، تقی الدین، **فتاوی السبکی**، بی جا: دارالمعارف، بی تا.
۱۹. شافعی، عثمان بن محمد، **إعانه الطالبین**، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر والتوزیع، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
۲۰. سیوطی، عبدالرحمن، **الاشباه و النظائر للسیوطی**، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
۲۱. اسدی تمیمی، سیف بن عمر، **الفتنه و وقعه جمل**، محقق: أحمد راتب عرموش، بی جا: دارالفنّاس، ۱۴۱۳ق.
۲۲. ابن اثیر، علی بن أبی الکرّم، **الکامل فی التاریخ**، تحقیق: عمر عبدالسلام تدمری، بیروت: دارالکتب العربی، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
۲۳. زرّقانی مصری، عبدالباقی، **شرح الزّرّقانی علی مختصر خلیل**، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
۲۴. ابن مفلح، إبراهیم بن محمد، **المبدع فی شرح المقنع**، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
۲۵. ابن یعلی، عمر، **مختصر الفتاوی المصریة لابن تیمیة**، محقق: عبدالمجید سلیم، محمد حامد الفقی، بی جا: مطبعة السنة المحمدیة، دارالکتب العلمیة، بی تا.
۲۶. جرجانی، حسین بن حسن، **المنهاج فی شعب الإیمان**، محقق: حلمی محمد فودة، بیروت: دارالفکر، چاپ اول، ۱۳۹۹ق.
۲۷. ابن صلاح، عثمان، **مقدمة ابن الصلاح**، محقق: نورالدین عتر، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۶ق.
۲۸. هیثمی، علی بن أبی بکر، **مجمع الزوائد ومنبع الفوائد**، محقق: حسام الدین قدسی، قاهره: مکتبة القدسی، ۱۴۱۴ق.
۲۹. رازی، فخرالدین، **تفسیر فخر رازی**، بیروت: دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۰۱ق.
۳۰. أبویعلی، أحمد بن علی، **مسند أبی یعلی**، دمشق: دارالمأمون، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
۳۱. ابن حجر هیثمی، أحمد بن محمد، **الصواعق المحرقة علی أهل الرّفص والضلال والزندقة**، محقق: عبدالرحمن بن عبدالله التركي، بیروت: مؤسسة الرساله، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
۳۲. عبدالغفار، محمد حسن، **شرح مختصر البعلی لکتاب الصارم المسلول علی شاتم الرسول لابن تیمیة**، دروس صوتیة قام بتفریغها موقع الشبكة الإسلامیة، <http://www.islamweb.net>
۳۳. ابن نجیم مصری، زین الدین، **غمز عیون البصائر شرح کتاب الاشباه و النضائر**، بیروت:

دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۰۵ق.

۳۴. ابن حنبل شیبانی، محمد، **مسند احمد**، تحقیق: شعیب الأرنؤوط، عادل مرشد، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۲۱ق.

۳۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، بیروت: دار صادر، بی تا.

۳۶. ذهبی، شمس الدین، **سیر اعلام النبلاء**، تحقیق: شعیب الأرنؤوط، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۱۳ق.

۳۷. غزالی طوسی، محمد بن محمد، **فضائح الباطنیه**، محقق: عبدالرحمن بدوی، کوبت: دارالکتب الثقافیه، بی تا.

38. <https://binbaz.org>.

